

بسم الله الرحمن الرحيم

میانجی‌گری رهبران پاکستان میان امریکا و ایران

(ترجمه)

از زمانی که جنگ صلیبی امریکا و رژیم یهود علیه سرزمین امام مسلم و امام بخاری رحمهم‌الله بیش از شش هفته پیش آغاز گردیده است، جهان به دو صف تقسیم شده است: صفی در حمایت از این جنگ صلیبی علیه ایران تشکیل شده و صفی دیگر که تنها به تماشا ایستاده و تحولات را نظاره می‌کند، بی‌آن‌که کوچک‌ترین حرکتی از خود نشان دهد، و این گروه تا حدی شامل اروپایی‌ها، روسیه و چین می‌باشد.

اما کسانی که در کنار این حمله صلیبی صف‌آرایی کرده‌اند، همان مزدوران و نمایندگان امریکا در منطقه‌اند؛ از جمله حکام و رهبران سرزمین‌های اسلامی، به‌ویژه دولت‌های پیرامون ایران که به «دولت‌های مضر» شهرت دارند و در رأس آنان پاکستان قرار گرفته است.

موضع‌گیری این دولت‌ها، پرده از نفاق، دوچهرگی و بی‌اعتنایی‌شان به تمامی ارزش‌های والای انسانی برداشته است؛ چراکه نه حق مسلمان بر برادر مسلمانش را در یاری‌رسانی در برابر دشمنان رعایت کرده‌اند و نه حق همسایگی را که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم بر آن تأکید فرموده‌اند. حتی پیوندهای خونی و روابط خویشاوندی میان برادران و همسایگان از یک قبیله و یک عشیره را نیز پاس نداشته‌اند.

بدین معنا که حکام پاکستان نه به احکام اسلام که ادعای وابستگی به آن را دارند، عمل کرده‌اند و نه حتی به سطح جاهلیت عرب رسیده‌اند تا دست‌کم بر اساس غیرت قومی و پیوندهای قبیله‌ای میان افراد یک عشیره که در دو سوی مرزهای به اصطلاح مشترک، رفتار نمایند.

از زمان آغاز این حمله صلیبی علیه ایران، حکام پاکستان چنان به تکاپو افتاده‌اند که حتی عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان اظهار داشته که از شدت تلاش در مسیر میانجی‌گری میان امریکا و ایران، طعم خواب را نچشیده است؛ تلاشی که به‌منظور برقراری آتش‌بس و کاهش تنش میان دو سرزمین صورت می‌گیرد.

گویی او خود را در فاصله‌ای برابر میان دو طرف قرار داده است، در حالی که این موضوع باید برای او از پیش روشن و قطعی می‌بود، و آن ایستادن در کنار برادر، همسایه و هم‌تبار خویش است، بر اساس فرموده رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ».

از جمله تحرکات خیانت‌آمیز حکام پاکستان، که به این حد نیز بسنده نکردند، برگزاری سومین نشست وزرای خارجه ترکیه، مصر، پاکستان و عربستان در شهر آنتالیا در روز جمعه ۱۸ اپریل ۲۰۲۶ بود.

در این دیدار، تمرکز بر حمایت از میانجی‌گری پاکستان میان امریکا و ایران و بررسی تحولات منطقه‌ای؛ از جمله برقراری آتش‌بس و کاهش تنش، قرار داشت.

در این نشست، وزیر خارجه ترکیه، هاکان فیدان؛ وزیر خارجه عربستان، فیصل بن فرحان؛ وزیر خارجه مصر، بدر عبدالعاطی و معاون نخست‌وزیر پاکستان، اسحاق دار، حضور داشتند؛ اما در حقیقت، پیشگام این میانجی‌گری حکام پاکستان هستند که در واقع نه میانجی‌گر، بلکه جانب‌دار آشکار امریکا و یهود هستند.

پس از شب‌زنده‌داری‌های طولانی رهبران سیاسی و نظامی پاکستان برای تأمین پیروزی برای ائتلاف صلیبی به رهبری آمریکا، پیروزی‌ای که امریکا نتوانست در میدان نبرد به دست آورد، دیداری میان رهبران این ائتلاف و هیئت مذاکره‌کننده ایران در اسلام‌آباد ترتیب داده شد.

پس از آن‌که تلاش‌های این مزدوران در تحقق پیروزی برای اربابان‌شان ناکام ماند، آنان نیروهای مسلمان پاکستان را به جبهه‌ها فرستادند تا این پیروزی را به‌گونه نظامی و با زور به دست آورند؛ آن‌هم با بهانه‌هایی که حتی کودکی در سن شیرخوارگی نیز آن را باور نمی‌کند، از جمله «توافق‌نامه دفاع مشترک» میان پاکستان و عربستان.

آیا این توافق‌نامه برای دفاع از منافع امریکادر منطقه و حمایت از مزدوران آن، یعنی حکام آل‌سعود تنظیم شده است، حتی اگر این کار بر فراز جمجمه‌های مسلمانان در هر سرزمین اسلامی صورت گیرد؟!

و آیا خود حجاز نیازمند پاکسازی از حکام آل‌سعود، این مزدوران امریکا نیست؟ همان‌هایی که سرزمین را به‌طور کامل در اختیار نیروهای صلیبی امریکا قرار دادند تا پایگاه‌های نظامی برپا کنند؛ پایگاه‌هایی که از آن‌ها حملات و بمباران‌ها علیه مردم ما در سرزمین‌های امام مسلم و امام بخاری انجام می‌شود، همان‌گونه که پیش‌تر سرزمین‌های رشید را هدف قرار دادند.

بر پاکستان لازم بود که به‌گونه نظامی در کنار ایران بایستد؛ چنان‌که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در «صحیفه مدینه» فرموده‌اند:

«وَإِنَّ سَلْمَ الْمُؤْمِنِينَ وَاحِدَةٌ؛ لَا يُسَالِمُ مُؤْمِنٌ دُونَ مُؤْمِنٍ فِي قِتَالٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، إِلَّا عَلَى سَوَاءٍ وَعَدْلٍ بَيْنَهُمْ».

ترجمه: و به یقین، صلح مؤمنان یکپارچه است. هیچ مؤمنی نباید بدون موافقت سایر مؤمنان در نبردی که در راه الله [سبحانه و تعالی] است، [به‌طور جداگانه] صلح کند، مگر آنکه [آن صلح] بر پایه برابری و عدالت میان همه آنها باشد.

این امر کاملاً در تضاد با آن است که دولتی به دستور امریکا و به نفع آن، نقش میانجی را ایفا کند؛ بلکه فراتر از آن نیروهای خود را به عربستان بفرستد تا به‌عنوان ابزاری برای فشار بر ایران مورد استفاده قرار گیرد.

بی‌تردید، یاری‌رساندن مسلمان به برادر مسلمانانش تنها زمانی تحقق می‌یابد که این برادری واقعی باشد، نه ادعایی و آمیخته با نفاق؛ چنان‌که حال حکام و رهبران پاکستان چنین است.

همان کسانی که رئیس کفر ترامپ، آنان را ستایش کرده و گفته است: «فرمانده ارتش فوق‌العاده بود و نخست‌وزیر پاکستان بسیار عالی بود»، و نیز تأکید کرده است که «ممکن است در صورت امضای توافق، به آن‌جا سفر کند» تا از آنان تقدیر نماید.

اگر حکام پاکستان همانند محمد بن قاسم و صلاح‌الدین ایوبی می‌بودند، از ناتوانی امریکا در دستیابی به پیروزی نظامی بر ایران بهره می‌بردند، به یاری برادران خود در ایران می‌شتافتند، امریکو ناوگان‌هایش را در آب‌های خلیج غرق می‌کردند، به‌جای اعزام نیرو برای حفاظت از تخت آل‌سعود، سرزمین حرمین را از ناپاکی آنان و از حضور پایگاه‌ها و ناوهای آمریکایی پاکسازی می‌کردند و نصرت را به حزب‌التحریر می‌دادند تا خلافت را بر منهج نبوت از سرزمین حرمین شریفین برپا سازد.

همچنین برای مردم خراسان زمینه‌ای فراهم می‌کردند تا به دولت خلافت تکیه کرده و با آن یکجا شوند؛ دولتی که آنان را از وضعیت تجاوز و ستمی که در آن قرار دارند نجات دهد. در نتیجه، خلیفه می‌توانست حجاز، خراسان و پاکستان را متحد ساخته و در زمانی کوتاه، یک دولت بزرگ را پدید آورد.

پس آیا مخلصان در ارتش پاکستان در راولپندی و در سرزمین حجاز به حرکت درخواهند آمد تا تخت‌های خیانت‌پیشگان را در هر دو سرزمین سرنگون سازند و نصرت خود را به رهبری حقیقی‌ای که نماینده آنان و نماینده عقیده نظامی و فکری‌شان است، تقدیم کنند؟ یا این‌که همچنان در پشت این رهبری خائن باقی خواهند ماند تا امریکا بتواند از طریق میز مذاکرات در اسلام‌آباد بر ایران دست یابد و پیروزی را تحقق بخشد و سپس نوبت به خود اسلام‌آباد برسد؟!

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ [محمد: ۷]

ترجمه: ای مؤمنان! اگر (دین) الله را یاری کنید، (الله) شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌سازد.

برگرفته از جریده الرأیه

مترجم: عبدالرحمن مستنصر